

Comparison of cognitive, behavioral, emotional adequacy and motivational skills in gifted and normal students

Azadeh Fathimard*

Ali Mohammad Okhovat**

Abstract

The present study was conducted aimed to compare cognitive, behavioral skills, emotional adequacy and motivational motivations in gifted and normal students in the causal-comparative study. The statistical of this study consisted of all first round high school in Isfahan in the academic year 2019-2020. 200 normal students and 200 gifted students were selected using clustering sampling method from normal and gifted and normal high schools in Isfahan city. The Participants answered to the Social Competency Questionnaire of Felner et al., Data were analyzed using independent t-test. Findings showed that there is a significant difference between the mean scores of cognitive skills, behavioral skills, emotional adequacy and motivational motivations in gifted and normal students. According to the findings, these results can be used to teach cognitive, behavioral, emotional adequacy and motivational and expectation skills in normal students.

Keywords: cognitive skills, behavioral skills, emotional adequacy, motivational sets

* Student of School Counseling, Ardakan Branch, Islamic Azad University, Ardakan, Iran

** **Corresponding author:** Professor, Department Educational Sciences, Ardakan Branch, Islamic Azad University, Ardakan, Iran (okhovat_alimohammad@yahoo.com)

بررسی مقایسه‌ای مهارت‌های شناختی، رفتاری، کفایت هیجانی و آمایه‌های انگیزشی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی

آزاده فتحی مرد*

علی محمد اخوت**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مقایسه‌ای مهارت‌های شناختی، رفتاری، کفایت هیجانی و آمایه‌های انگیزشی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در یک طرح علی-مقایسه‌ای انجام گرفت. جامعه‌ی این پژوهش را کلیه‌ی دانش‌آموزان دوره‌ی اول متوسطه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ تشکیل دادند. ۲۰۰ نفر دانش‌آموز عادی و ۲۰۰ نفر دانش‌آموز تیزهوش به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از میان مدارس عادی و تیزهوشان دوره‌ی اول متوسطه شهر اصفهان انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان به پرسش‌نامه‌ی شایستگی اجتماعی فلنر و همکاران پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش آماری t مستقل تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که بین نمرات میانگین مهارت‌های شناختی، رفتاری، کفایت هیجانی و آمایه‌های انگیزشی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بر طبق یافته‌ها می‌توان از این نتایج برای آموزش مهارت‌های شناختی، رفتاری، کفایت هیجانی و آمایه‌های انگیزشی در دانش‌آموزان عادی استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: مهارت‌های شناختی، مهارت‌های رفتاری، کفایت هیجانی، آمایه‌های انگیزشی

* دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، واحد اردکان، دانشگاه آزاد اسلامی، اردکان، ایران

** استاد گروه علوم تربیتی، واحد اردکان، دانشگاه آزاد اسلامی، اردکان، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

در جهان امروز یکی از مهم‌ترین اهداف نظام‌های تعلیم و تربیت، پرورش فراگیرانی با انگیزه، هدفمند، پیشرفت‌گرا و کارآمد است (گاوریلوا، دوناهیو و گالانت^۱، ۲۰۱۹). امروزه منشأ تمامی تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشورها ریشه در نظام آموزش و پرورش آنها دارد. بدون شک، آموزش و پرورش هدفمند، برنامه‌محور، جامع‌نگر و پیشرفته، جامعه‌ی توسعه‌یافته‌تری را رقم خواهد زد. یکی از مفاهیم کلیدی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مفهوم شایستگی اجتماعی است. در بخش کلیات این سند، در تبیین مفهوم تعلیم و تربیت آمده است رسیدن به مراتب حیات طیبه مستلزم کسب شایستگی اجتماعی است. شایستگی اجتماعی مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی، رفتاری، هیجانی و انگیزشی است که افراد برای سازگاری روانی-اجتماعی موفق، به آنها نیاز دارند (مالتی و پرِن^۲، ۲۰۱۱).

فلنر، لیس و فیلیپس^۳ (۱۹۹۰) چهار مقوله مهارت‌های شناختی تصمیم‌گیری و توانایی‌های مربوط به قضاوت؛ مهارت‌های رفتاری شامل مذاکره، ایفای نقش، جرأت‌مندی، اکتساب حمایت، مهارت‌های هیجانی دربرگیرنده نظم‌بخشی و ظرفیت‌های عاطفی برای برقراری روابط مثبت با دیگران و درنهایت آمایه‌های انگیزشی و انتظار که شامل سه حوزه ساختار ارزشی فرد، سطح رشد اخلاقی فرد و احساس اثربخشی و کنترل خود هستند را تعریف کرده‌اند. سپری کردن موفقیت‌آمیز دوره‌ی نوجوانی، مستلزم داشتن شایستگی اجتماعی در چهار بُعد ذکر شده است که فقدان آنها عامل اساسی ناسازگاری و مشکلات انطباقی است (لینوس^۴، ۲۰۱۵). یکی از ملزومات مهم زندگی در اجتماع، رسیدن به سطحی از رشد و شایستگی اجتماعی است که فرد را قادر به سازش با محیط اجتماعی، استقلال، رفع نیازهای فردی، همکاری و تعامل با دیگران می‌سازد. رفتارهای اجتماعی مناسب و دیگر مهارت‌های سازشی، پایه‌های سازش‌یافتگی شخصی و اجتماعی را در زندگی تشکیل می‌دهند. شایستگی هیجانی- اجتماعی برگرفته از یادگیری هیجانی- اجتماعی بر این باور است که یادگیرندگان، توانایی خودنظارتی بر رفتارهایشان از طریق یادگیری را دارند (ویلسون، گاتفردسون و ناجاکا^۵، ۲۰۱۰). توانایی‌های اجتماعی در نوجوانی و بزرگسالی اولیه تغییر می‌یابد.

1. Gavrilova, Donohue, & Galante
2. Malti & Perren
3. Felner, Lease, & Philips
4. Lianos
5. Wilson, Gottfredson, & Najaka

این توانایی‌ها به نوجوان این امکان را می‌دهد که به‌عنوان مشاهده‌گری بی‌طرف به شرایط و موقعیت‌ها نگاه کند. این نظارت بی‌طرفانه نوعی توانایی است که به نوجوان کمک می‌کند تا باورها و انگیزه‌های شخص دیگر را درک کند و رفتارش را مطابق با آن‌ها تغییر دهد (سیمرود کلیکمن، ۲۰۱۵، ترجمه رضایی، ۱۳۹۳).

داشتن مهارت‌های شناختی، رفتاری، کفایت هیجانی و آمایه‌های انگیزشی از ضرورت‌های اساسی زندگی امروز است. این ضرورت به‌ویژه برای سنین نوجوانی و جوانی که افراد را در رویارویی با موقعیت‌های متعدد قرار می‌دهد، بیشتر ملموس است. در این دوره به دلیل این‌که افراد در جستجوی هویت و اعتمادبه‌نفس از دیگران هستند، مهارت‌های شناختی، رفتاری، کفایت هیجانی و آمایه‌های انگیزشی از اهمیت دوچندان برخوردار است (محتشمی، علی‌اکبری دهکردی، چیمه، علی‌پور، و افقی، ۱۳۹۱).

جانسون، بولتر و پاسکال^۱ (۲۰۱۵) در تحقیق باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی میان دانش‌آموزان تیزهوش و عادی نشان دادند که باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی دانش‌آموزان تیزهوش بیشتر از دانش‌آموزان عادی است. کارترز، بون و کرایج^۲ (۲۰۱۴) در مقایسه باورهای انگیزشی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی نشان دادند که دانش‌آموزان تیزهوش نسبت به دانش‌آموزان عادی برای تحصیل، باورهای انگیزشی بیشتری دارند. هینز^۳ (۲۰۱۲) در مقایسه باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی نشان داد که باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی در دانش‌آموزان تیزهوش بیشتر از دانش‌آموزان عادی است. نتایج مطالعات بیانگر این است که سازگاری اجتماعی، خودکارآمدی اجتماعی (عملکرد در موقعیت‌های اجتماعی)، شرکت در گروه‌های اجتماعی و خودتمایز یافتگی (هم‌آمیختگی با دیگران و واکنش‌پذیری هیجانی) در دانش‌آموزان تیزهوش بیشتر از دانش‌آموزان عادی است (رنجبر، ۱۳۹۷). محمدزاده (۱۳۹۳) در پژوهشی دانش‌آموزان دختر متوسطه دوره‌ی اول مدارس هوشمند و عادی را متغیرهای ادراک کنترل، ادراک شایستگی و عملکرد تحصیلی مورد مقایسه قرار داد و به این نتیجه رسید که ادراک شایستگی اجتماعی در دانش‌آموزان تیزهوش بیشتر از دانش‌آموزان عادی است. لیوارجانی، گل محمدنژاد و قاسم شهنقی

1. Johnson, Bolter, & Pascual

2. Karterz, Boon, & Kraaij

3. Heinz

(۱۳۸۸) در بررسی رابطه هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر تیزهوش و عادی دوره‌ی دبیرستان، نشان دادند که میانگین نمرات هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان تیزهوش به‌طور معنی‌داری بیشتر از دانش‌آموزان عادی است. سیف، بشاش و لطیفیان (۱۳۸۳) مطالعه‌ای با عنوان تأثیر ابعاد ادراک خود بر روابط اجتماعی با همسالان در نوجوانان مراکز آموزشی استعدادهای درخشان و مدارس عادی انجام دادند، تحلیل نتایج نشان داد نوجوانان تیزهوش از ادراک شایستگی اجتماعی بالاتر و خودارزشمندی قوی‌تری برخوردارند.

برای موفقیت بیشتر در محیط‌های کار، تحصیل و یا زندگی، استفاده از هوش و مهارت شایستگی اجتماعی در دستیابی به موفقیت بیشتر، نقش دارد. نوجوانی که مورد پذیرش دیگران قرار گیرد و با همسالان ارتباط برقرار کند، از عزت‌نفس بالایی برخوردار خواهد بود و عملکرد بهتری در مدرسه از خود نشان خواهد داد. از سوی دیگر نوجوانی که فاقد مهارت شایستگی اجتماعی است در بزرگسالی با مشکلات شدیدتری مواجه است. لازم به ذکر است با انجام این پژوهش و مقایسه میزان مهارت‌های شناختی، رفتاری، کفایت هیجانی و آمیبه‌های انگیزشی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی می‌توان با سهولت و برنامه‌ریزی بهتر، برای تغییر رفتار دانش‌آموزان و موفقیت دانش‌آموزان در عملکرد تحصیلی گامی مؤثر برداشت.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

این پژوهش به لحاظ هدف؛ کاربردی و از نظر اجرا؛ یک پژوهش توصیفی و از نوع طرح‌های علی-مقایسه‌ای بوده است. جامعه‌ی این پژوهش را کلیه‌ی دانش‌آموزان مدارس عادی و تیزهوشان دوره‌ی اول متوسطه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل دادند. حجم نمونه با مراجعه به جدول کرجسی و مورگان و با احتساب ریزش، ۴۰۰ نفر تعیین شد. ابتدا از میان نواحی آموزش و پرورش شهر اصفهان، به‌صورت تصادفی ناحیه ۳ انتخاب و از این ناحیه، ۲ مدرسه تیزهوشان و ۲ مدرسه عادی و از هر مدرسه ۵ کلاس و در کل ۴۰۰ نفر (۲۰۰ نفر دانش‌آموز از مدارس تیزهوشان و ۲۰۰ نفر دانش‌آموز از مدارس عادی) به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. پس از هماهنگی با مدیران و کسب رضایت از مدیران و دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها، توضیحات لازم به دانش‌آموزان ارائه گردید و به کلیه شرکت‌کنندگان اطمینان خاطر جهت محرمانه بودن اطلاعات داده شد. ملاک‌های ورود به پژوهش دانش‌آموز مقطع دوره‌ی اول متوسطه و

رضایت از شرکت در پژوهش بود.

ابزار اندازه‌گیری

پرسش‌نامه‌ی شایستگی اجتماعی: این پرسش‌نامه توسط فلنر و همکاران (۱۹۹۰) تهیه شده و چهار بُعد مهارت‌های رفتاری، شناختی، هیجانی و آماه‌های انگیزشی را مورد سنجش قرار می‌دهد، و دارای ۴۷ ماده می‌باشد که هر ماده در یک طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱) تا (کاملاً موافقم = ۷) مرتب می‌شوند. ابوالقاسمی، رضایی جمالویی، نریمانی و زاهد بابالان (۱۳۹۰) پایایی این مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹؛ پرن‌دین (۱۳۸۵) ۰/۸۸؛ شاهسواری و اسماعیلی (۱۳۹۶) و علامه، شهینی‌بیلاق، حاجی‌یخچالی و مهرابی‌زاده هنرمند (۱۳۹۷) ۰/۹۵ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش، ضریب پایایی آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به‌دست آمد.

روند اجرای پژوهش

به منظور انجام این پژوهش ابتدا پیشینه‌ی موضوع بررسی و سپس ابزار پژوهش مشخص شدند. پس از کسب اجازه از آموزش و پرورش و مدیران مدارس، با توجه به ملاک‌های ورود به پژوهش (دانش‌آموز مقطع دوره‌ی اول متوسطه عادی و تیزهوش) و ارائه توضیحات لازم به دانش‌آموزان، پرسش‌نامه توسط دانش‌آموزان تکمیل شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های پژوهش با استفاده از روش آماری t مستقل و از طریق بسته‌ی نرم‌افزار آماری SPSS-23 تحلیل شدند.

یافته‌ها

از مجموع ۴۰۰ نفر دانش‌آموز دوره‌ی اول متوسطه شرکت‌کننده در این پژوهش ۵۰ درصد دانش‌آموز عادی با میانگین معدل ۱۸/۹۲ و انحراف معیار ۱/۱ و ۵۰ درصد دانش‌آموز تیزهوش با میانگین معدل ۱۹/۵۱ و انحراف معیار ۰/۸۲؛ میانگین سن دانش‌آموزان تیزهوش ۱۴/۲۴ و دانش‌آموزان عادی ۱۴/۲۸؛ و ۵۳ درصد دانش‌آموزان تیزهوش، پسر و ۴۷ درصد دانش‌آموزان تیزهوش، دختر و از دانش‌آموزان عادی ۳۷/۵ درصد پسر و ۶۲/۵ درصد دختر بودند.

جدول ۱
شاخص‌های چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش

متغیر	شاخص چولگی	شاخص کشیدگی
مهارت‌های شناختی	-۰/۵۲۲	-۰/۳۲۶
مهارت‌های هیجانی	-۰/۱۳۷	-۰/۵۹۶
مهارت‌های انگیزشی	۰/۰۴۳	-۰/۷۷۵
مهارت‌های رفتاری	-۰/۰۵۱	-۱/۴۲۶

با توجه به نتایج جدول ۱، چولگی و کشیدگی متغیرهای مورد پژوهش در دامنه‌ی ۲+ و ۲- قرار دارند و در نتیجه داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند. هم‌چنین، نتایج آزمون لون جهت بررسی یکسان بودن واریانس گروه‌ها نشان داد که واریانس گروه‌ها در متغیرهای فوق‌الذکر یکسان می‌باشند.

جدول ۲

نتایج آزمون تی تست گروه‌های مستقل (t-test) دانش‌آموزان عادی و تیزهوش در متغیر مهارت‌های شناختی

گروه	میانگین	انحراف معیار	t	df	تفاوت میانگین‌ها	سطح معنی‌داری
تیزهوش	۱۵/۳۴	۳/۳۶	- ۲/۷۱	۳۹۸	- ۱/۰۵۵	۰/۰۰۷
عادی	۱۴/۲۹	۴/۳۵				

جدول ۳

نتایج آزمون تی تست گروه‌های مستقل (t-test) دانش‌آموزان عادی و تیزهوش در متغیر مهارت‌های رفتاری

گروه	میانگین	انحراف معیار	t	df	تفاوت میانگین‌ها	سطح معنی‌داری
تیزهوش	۱۸۳/۲۵	۳۱/۸۶	- ۴/۸۹۵	۳۹۸	- ۱۶/۵۵	۰/۰۰۱
عادی	۱۶۶/۶۹	۳۵/۶۶				

جدول ۴

نتایج آزمون تی تست گروه‌های مستقل (t-test) دانش‌آموزان عادی و تیزهوش در متغیر مهارت‌های انگیزشی

گروه	میانگین	انحراف معیار	t	df	تفاوت میانگین‌ها	سطح معنی‌داری
تیزهوش	۳۳/۳۶	۶/۷۱	- ۴/۲۰	۳۹۸	- ۲/۹۱۵	۰/۰۰۱
عادی	۳۰/۴۵	۷/۱۵				

جدول ۵

نتایج آزمون تی تست گروه‌های مستقل (t-test) دانش‌آموزان عادی و تیزهوش در متغیر کفایت هیجانی

گروه	میانگین	انحراف معیار	t	df	تفاوت میانگین‌ها	سطح معنی‌داری
تیزهوش	۱۴/۴۹	۳/۸۳	- ۲/۲۳	۳۹۸	- ۰/۸۹	۰/۰۲۶
عادی	۱۳/۵۹	۴/۱۵				

نتایج آزمون t مستقل نشان داد که بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در متغیرهای مهارت‌های شناختی، رفتاری، انگیزشی و کفایت هیجانی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، میانگین نمرات دانش‌آموزان تیزهوش نسبت به نمرات دانش‌آموزان عادی در متغیرهای فوق‌الذکر بالاتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی مقایسه‌ای مهارت‌های شناختی، رفتاری، انگیزشی و کفایت هیجانی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی انجام شد. بر اساس یافته‌های پژوهش، مهارت‌های شناختی، رفتاری، انگیزشی و کفایت هیجانی در دانش‌آموزان تیزهوش، بیشتر از دانش‌آموزان عادی بوده است. این یافته‌ها با نتایج مطالعات جانسون و همکاران (۲۰۱۵)، کارترز و همکاران (۲۰۱۴)، هینز (۲۰۱۲)، رنجبر (۱۳۹۷)، محمدزاده (۱۳۹۳)، لیوارجانی گل محمدنژاد، غلامرضا و قاسم شهنقی (۱۳۸۸) و سیف، بشاش و لطیفیان (۱۳۸۳)، همسو است. در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت، مهارت‌های رفتاری، توانایی رسیدن به هدف‌های فردی در تعامل اجتماعی همزمان با حفظ روابط مثبت با دیگران در همه‌ی زمان‌ها و موقعیت‌ها و ظرفیتی است که دانش‌آموزان تیزهوش را قادر به ایجاد و حفظ روابط بین فردی رضایت‌بخش، به دست آوردن پذیرش همسالان و ایجاد و حفظ دوستی و خاتمه دادن به روابط بین فردی منفی و مخرب می‌کند. مهارت‌های رفتاری شالوده ارتباطات موفق و رودررو را بنا می‌نهد و به‌عنوان وسیله‌ی ارتباط میان فردی و محیطی و وسیله‌ای برای شروع و ادامه‌ی ارتباط سازنده و سالم با همسالان برای سازش هیجانی و رفتاری و عملکرد موفق در خانه، مدرسه، محل کار و اجتماع ضروری است. رفتار میان فردی ماهرانه، به‌طور طبیعی دارای عواقب پاداش‌دهنده، از قبیل شروع و عمق بخشیدن به دوستی‌ها و کاهش منابع تنش‌زای زندگی هستند که در دانش‌آموزان مدارس تیزهوش بیشتر دیده شده است.

دانش‌آموزان مدارس تیزهوش، تحت فشار شدید نمرات و استانداردهای تعیین‌شده در مدرسه و رقابت جهت کسب نمره بیشتر می‌باشند و این موفقیت ممکن نمی‌شود مگر با شناخت بیشتر از برنامه‌ها و استانداردهای تعیین‌شده سیستم آموزشی. دانش‌آموزان، پیام‌های مبهم و درهم‌آمیخته‌ای درباره ارزش‌ها، پیشرفت و الگوسازی رفتارهای پیشرفت‌مدارانه دریافت می‌کنند که این امر در دانش‌آموزان عادی بیشتر است؛ در کل فشارهای مضاعف تحصیلی و خانوادگی، بی‌ارزش دانستن اهداف آموزشی و تحصیلی می‌تواند در این امر تأثیرگذار باشد؛ این عوامل می‌توانند در کنار هم سبب شود که دانش‌آموزان عادی مهارت‌های شناختی کمتری نسبت به دانش‌آموزان تیزهوش ادراک کنند. برای موفقیت بیشتر در محیط‌های کار، تحصیل و زندگی، استفاده از هوش و مهارت‌هیجانی نقش دارد. کیفیت و میزان گستردگی شبکه روابط اجتماعی، تحت تأثیر مهارت‌هیجانی است، یعنی افراد باهوش هیجانی بالا، تعاملات مثبت بیشتری برقرار می‌کنند و زندگی عاطفی غنی‌تری دارند. به دلیل بالاتر بودن هوش هیجانی در دانش‌آموزان تیزهوش و ادراک بالاتر آن‌ها از محیط و قدرت سازگاری بیشتر با محیط، کفایت‌هیجانی در دانش‌آموزان تیزهوش بیشتر است. آن میزان از انگیزه و حس رقابت‌جویی و رقابت‌طلبی که در دانش‌آموزان تیزهوش وجود دارد، به سبب تفاوت در میزان هوش و توانایی‌ها، در دانش‌آموزان عادی وجود ندارد، در نتیجه انگیزه‌های این دو گروه از دانش‌آموزان باهم متفاوت و مهارت‌های انگیزشی در دانش‌آموزان تیزهوش بیشتر است. تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان که حاکی از وجود تفاوت در توانایی‌های آنان است از مهم‌ترین اصول و مواردی است که همیشه باید در آموزش و پرورش مورد توجه قرار گیرد. از جمله توانایی‌های متفاوت کودکان که موجب تفاوت عمده بین عملکرد آنان می‌شود، توانایی‌های شناختی از جمله هوش است که میزان آن در همه‌ی افراد یکسان نیست؛ در نتیجه باید به آن توجه خاصی مبذول شود زیرا نوع و سرعت آموزش باید با توانمندی‌های شناختی دانش‌آموزان هماهنگ شود و همچنین با اتخاذ برنامه‌هایی کارآمد در جهت بهبود وضعیت آن برآمد که در این راستا نیز مدارس هوشمند به کمک برنامه‌های آموزشی قدم‌های مهمی را برداشته‌اند (محمدرزاده، ۱۳۹۳). برنامه‌های آموزش مهارت‌های هیجانی بایستی در مدارس بکار برده شوند. این برنامه‌ها نه تنها به آگاهی دانش‌آموزان از حالات هیجانی‌شان کمک می‌کنند و عزت‌نفس آنان را تقویت می‌نمایند، بلکه موجب می‌شوند که آنان در آزمون‌های شناختی نیز نمرات بهتری را کسب کنند. لازم است مدارس چگونگی اداره و کنترل هیجان‌ها را به دانش‌آموزان بیاموزند و معلمان با تعامل محترمانه، الگوهای مناسبی برای تقویت این نوع رفتار در دانش‌آموزان باشند. در

صورت عدم توجه به این مسأله در سیستم تعلیم و تربیت، کسانی که امروز دانش‌آموز هستند فردا به‌عنوان بزرگسالان و جوانان در محیط‌های کار، تحصیل و زندگی قادر نخواهند بود به نحو مطلوبی به موفقیت‌های بالایی دست پیدا کنند و جامعه‌ی خود را به سطح بالاتری ارتقاء دهند. اجرای پژوهش در دانش‌آموزان دوره‌ی اول متوسطه و شهر اصفهان و محدود بودن تعمیم نتایج به دوره‌ی دوم متوسطه و شهرهای دیگر از محدودیت‌های این پژوهش بود. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی به مقایسه سایر متغیرهای فردی و اجتماعی در دانش‌آموزان مدارس عادی و تیزهوش پرداخته شود. با توجه به اثربخشی زیاد نقش معلمان در آموزش دانش‌آموزان، پیشنهاد می‌گردد، معلمان شرایط و زمینه مناسب را برای یادگیری بیشتر مهارت‌ها و توانایی‌های شناختی، رفتاری، کفایت هیجانی و آمایه‌های انگیزشی در مدارس عادی فراهم آورند. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در زمینه‌ی پایین‌بودن مهارت‌ها و توانایی‌های شناختی، رفتاری، کفایت هیجانی و آمایه‌های انگیزشی در دانش‌آموزان عادی، تعدادی از جلسات آموزش خانواده در مدارس به آموزش راهکارهایی برای افزایش این مهارت‌ها اختصاص داده شود. در کل نتایج حاصل از پژوهش حاضر، حاکی از اهمیت آموزش مهارت‌های شناختی، رفتاری، انگیزشی و کفایت هیجانی در دانش‌آموزان عادی است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود، نظام آموزش و پرورش و در رأس آن، مربیان، مشاوران و سایر متخصصان حوزه‌ی تعلیم و تربیت، با آگاهی از نتایج پژوهش، سعی در افزایش مهارت‌های شناختی، رفتاری، انگیزشی و کفایت هیجانی در دانش‌آموزان عادی از طریق آموزش این مهارت‌ها داشته باشند.

سپاس‌گزاری

بدین‌وسیله از کلیه‌ی دانش‌آموزان و مدیرانی که در این پژوهش ما را یاری کردند کمال قدردانی را به عمل می‌آوریم.

منابع

فارسی

ابوالقاسمی، عباس؛ رضایی جمالی، حسن؛ نریمانی، محمد؛ و زاهدبابلان، عادل. (۱۳۹۰). مقایسه‌ی شایستگی اجتماعی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری و دانش‌آموزان دارای پیشرفت تحصیلی پایین، متوسط و بالا. *مجله‌ی ناتوانی‌های یادگیری*، ۱(۱)، ۲۳-۶.

پرندین، شیما. (۱۳۸۵). هنجاریابی پرسش‌نامه خودتوانمندسازی اجتماعی فلنز. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۲(۴)، ۷۶-۹۰.

رنجبر، سمیه. (۱۳۹۷). هوش اجتماعی، خودکارآمدی اجتماعی و خودتمایز یافتگی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت.

سیف، دیبا؛ بشاش، لعیبا؛ و لطیفیان، مرتضی. (۱۳۸۳). تأثیر ابعاد ادراک خود بر روابط اجتماعی با همسالان در نوجوانان مراکز آموزشی استعدادهای درخشان و مدارس عادی. مجله روان‌شناسی، ۱(۱)، ۸۶-۹۷.

سیمرود کلیمکن، مارگارت. (۲۰۱۵). کفایت اجتماعی کودکان و نوجوانان. ترجمه سعید رضایی (۱۳۹۳). تهران: انتشارات آوای نور.

شاهسواری، پریسا و اسماعیلی، مریم. (۱۳۹۶). تأثیر مداخله‌ی شکوفایی سلیگمن بر شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی. مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۸(۴)، ۴۴-۵۱.

علامه، عاطفه؛ شهینی ییلاق، شهناز؛ حاجی یخچالی، علیرضا؛ و مهرابی زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۹۷). تأثیر آموزش مهارت‌های مطلوب اجتماعی مبتنی بر برنامه گروه‌بندی مهارت بر شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان پسر پرخاشگر. نشریه علمی راهبردهای شناختی در یادگیری، ۶(۱۱)، ۶۵-۴۵.

لیوارجانی، شعله؛ گل محمدنژاد، غلامرضا و قاسم شهنقی، معصومه. (۱۳۸۸). بررسی رابطه‌ی هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر دوره‌ی دبیرستانی تیزهوش و عادی شهرستان خوی در سال تحصیلی ۸۸-۸۹. نشریه علمی آموزش و ارزشیابی، ۲(۵)، ۲۱۰-۱۸۵.

محشمی، طیبه؛ علی اکبری دهکردی، مهناز؛ چیمه، نرگس؛ علی پور، احمد؛ و افقی، هاله. (۱۳۹۱). اثر آموزش روش درمانی پاسخ محور بر عملکرد خانواده در مادران کودکان مبتلا به اتیسم. خانواده پژوهی، ۱(۳)، ۲۸۹-۲۷۳.

محمدزاده، مریم. (۱۳۹۳). مقایسه‌ی دانش‌آموزان دختر متوسطه‌ی دوره‌ی اول مدارس هوشمند و عادی از لحاظ ادراک کنترل، ادراک شایستگی و عملکرد تحصیلی شهر بندر امام خمینی (ره).

پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز.

لاتین

- Dodge, K. A., Pettit, G. S., McClaskey, C. L., Brown, M. M., & Gottman, J. M. (1986). Social competence in children. *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 51, 1-85.
- Felner, R. D., Lease, A. M., & Phillips, R. S. C. (1990). Social competence and the language of adequacy as a subject matter for psychology: a quadripartite tri-level framework. In T. P. Gullotta, G. R. Adams, & R. Montemayor (Eds.), *The development of social competence in adolescence* (pp. 245-264). Beverly Hills, CA: Sage.
- Garnefski, N., Boon, S., & Kraaij, V. (2003). Relationships between cognitive strategies of adolescents and depressive symptomatology across different types of life event. *Journal of Youth and Adolescence*, 32(6), 401-408.
- Gavrilova, Y., Donohue, B., Galante, M., & Gavrilova, E. (2019). A controlled examination of motivational strategies: Is it better to motivate by reviewing positive consequences for goal achievement or negative consequences of not accomplishing goals?. *Motivation Science*, 5(3), 235-256.
- Heinz, J. B. (2012). *Social skills & learning disabilities, current issues and recommendations of the national conference*. Parkton, MD: York Press.
- Johnson, J., Im-Bolter, N., & Pascual-Leone, J. (2003). Development of mental attention in gifted and mainstream children: The role of mental capacity, inhibition, and speed of processing. *Child Development*, 74(6), 1594-1614.
- Lianos, P. G. (2015). Parenting and social competence in school: The role of preadolescents' personality traits. *Journal of Adolescence*, 41, 109-120.
- Malti, T., & Perren, S. (2011). Social competence. *Encyclopedia of Adolescence*, 2, 332-340.
- Wilson, D. B., Gottfredson, D. C., & Najaka, S. S. (2001). School-based prevention of problem behaviors: A meta-analysis. *Journal of Quantitative Criminology*, 17(3), 247-272.



© 2018 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).